

روایت خبرنگار پاسارگاد از ۱۲ ساعت حضور در اورژانس بیمارستان غرضی

روزهای برزخی

۲۰ بیمار که قابل انتقال به بخش هستند، چیزی حدود ۱۰۰ بیمار هم در بخش سرپایی‌مان هستند که روزانه می‌آیند دارو می‌گیرند و می‌روند. علاوه بر این‌ها کلی بیمار داریم که از پزشک متخصص نامه بستری گرفتند که جا برای بستری شدن نداریم.

رضوانی گفت: افرادی که بستری می‌شوند تماماً بیمارانی هستند که حتی بستری موقت هم نمی‌شد آن‌ها را کرد، شما اگر دم اورژانس آمده باشید یک وانت می‌بینید فقط کارش این است که کیسول‌های اکسیژنی که در اورژانس خالی می‌شوند را توی وانت می‌گذارد و می‌برد در انبار اکسیژن که در محوطه بیمارستان است پرمی‌کند و می‌آورد یعنی دیگر نمی‌شود یکی بخوایم جابه‌جا کنیم تازه ما برای بیمارانی که در بخش‌ها بستری می‌شوند، اکسیژن مرکزی استفاده می‌کنیم و فقط برای یک تعداد که اضافه بستری می‌شوند از کیسول استفاده می‌کنیم. حدود ۵۰ تا کیسول توی اورژانس داریم و این ۵۰ تا روزی سه بار پرمی‌شوند، واقعا اوضاع بدی داریم.



عکس: امین ارجمند پاسارگاد



عکس: امین ارجمند پاسارگاد

سرپرستار بخش اورژانس گفت: افرادی که در اورژانس بستری می‌شوند هم‌شان حداقل بالای ۳۰ درصد ریه‌شان درگیر شده است و باید تاکید کنم اکثرشان بالای ۵۰ درصد ریه‌شان درگیر است و به همین ترتیب که بستری می‌شوند به محض اینکه تخت خالی می‌شود براساس اولویت به بخش‌ها می‌فرستیم.

او گفت: روزانه حدود ۳۰۰ سی‌تی‌اسکن انجام می‌دهیم و این آمار وحشتناک است، ما آمدیم دم در سی‌تی‌اسکن نزدیک به ۶۰ تا صندلی گذاشتیم که مردم آنجا روی صندلی نشینند تا نوبت‌شان بشود. از این‌ها گذشته دستگاه سی‌تی‌اسکن مان‌دائم دارد کار می‌کند و طی ۲۴ ساعت خاموش نمی‌شود و نگرانیم اگر مشکل‌برای دستگاه پیش‌نیاید چیکار کنیم.

ساعت حدود ۷ صبح است هوا روشن شده است. آنچه در این ۱۲ ساعت دیدم، نه با هیچ زبانی قابل توصیف است و نه با هیچ قلمی قابل نوشتن. اینجا آدم‌ها برای زنده ماندن دست‌وپا می‌زنند، مدام چشم‌شان به مانیتور پزشک و پرستار است. اینجا همان برخی است که خیلی‌ها تجربه‌اش می‌کنند و دوباره شانس زندگی پیدا می‌کنند و تعدادی هم ناامید می‌شوند و سوار قطار مرگ می‌شوند... پزشک بالای سر همه بیمار می‌آید، اکسیژن‌ها را نگاه می‌کند، دستور دارویی جدید می‌دهد، زن جوان تمام نگاهش به پزشک است، اکسیژن هنوز بالا نیامده است و دوز بعدی اکنتر باید تزریق شود، پزشک دستور بستری در بخش را می‌دهد، زن جوان خواهش می‌کند او نیز همراه همسرش به بخش برود و امضا می‌دهد هر اتفاقی برایش افتاد بای خودش، پرستار اما می‌گوید دستورات عمل دارند که تحت هیچ شرایطی همراهی با بیمار وارد بخش نشود. زمانی که مرد جوان را می‌بیند، استرس تمام وجودش را گرفته و چشمش به چشم همسرش است، زن آهسته و بی‌ریق بیرون می‌آید و می‌زند زیر گریه...

به این درمان جواب نداد و امروز چهارشنبه به دلیل افت اکسیژن بازم سی‌تی‌اسکن گرفتن و گفتن درگیری ریه به ۹۰ درصد رسیده است، برای همین درمان اکنتر را آغاز کردند و چون این دارو در سیرجان تعدادش خیلی کم است، به سختی برایش پیدا شد و گفتند برای فردا باید خودتان این دارو را پیدا کنید و از آن پیگیریم تا بتوانم این دارو را پیدا کنم... می‌پرسم چگونه مینلاند؟ می‌گوید: همسرم به شدت وسواسی و از همان روز اول تا الان مدام ماسک می‌زد، جاها شلوغ نمی‌رفت، هرشب آب نمک غرغره می‌کند، واقعا نمی‌دانم کجا گرفته یا در محیط کارش مبتلا شده و یا در داخل آسانسور و گرنه جای خاص دیگری نرفته است...

مدیر سازمان غذا و داروی شهرستان سیرجان در مورد کمبود داروی اکنتر در سیرجان گفت: داروی اکنتر بیمارستانی است و نه خط آخر درمان کووید است و سهمیه‌مان محدود است و با این‌زنی‌هایی که آقای نماینده داشته، توانستیم به یک میزانی هر روز تهیه کنیم، تعداد بیماران بدحال نیز هر روز در حال افزایش است.

مرد جوانی داخل اورژانس در حالی که ماسک اکسیژن به دهانش هست می‌گوید: ببخشید خانم همیشه خانم پرستار را صدا بزنید... می‌گویم: خانم پرستار آقایی که روی تخت شماره فلان خوابیده است نیاز به کمک دارد... پرستار در حالی که بسیار خسته است می‌گوید اجازه بدهید کارم را انجام بدهم می‌روم... محمود رضوانی سرپرستار اورژانس بیمارستان غرضی است او می‌گوید: شرایط بیمارستان نسبت به دوسه روز قبل که تفاوتی نکرده است و هم‌چنان بحرانی‌ست، در حال حاضر با توجه به افزایش مبتلایان بخش سوم کرونا را در بیمارستان غرضی راندازی کردیم در حال حاضر هر سه بخش‌مان ظرفیت‌شان تکمیل است علاوه بر آن‌ها در اورژانس هم کلی بیمار کرونایی بستری است نزدیک به

انگار با مرگ فاصله زیادی ندارند، عدد اکسیژن یکی ۸۲ است، دیگری، ۸۵، آن یکی ۹۱، یکی دیگر ۸۱ و... اینجا اکسیژن فاصله‌ی بین مرگ و زندگی است... صدای نفس‌های بلند، تکان‌های قفسه سینه، بی‌خوابی‌ها، ترس و اضطراب، گریه و دعا داستان این روزهای بیماران و خانواده‌های‌شان است. اینجا اکسیژن حکم طلا را دارد، حکم آزادی، حکم زندگی... مرد چاقی که نشسته خوابیده و دستگاه اکسیژن به دهانش هست، عدد اکسیژنش ۸۲ است حتی گاهی پایین‌تر هم می‌رود، دو مرد جوان همراهش هستند و گاهی بیرون می‌آیند و گاهی کنار تخت‌اش می‌نشینند، مرد اما به سختی نفس می‌کشد...

زن جوان کنار تخت همسرش نشسته است و چشم از مانیتور بر نمی‌دارد. عدد اکسیژن که بالا می‌رود ته دلش قرص می‌شود، دو سه ساعت از تزریق داروی اکنتر گذشته است و زن خوشحال از اینکه عوارضی نداشته است، می‌گوید همه چیز از یک سرورد شروع شد ابتدا فکر کردیم دردهای همیشگی سینوزیت‌هاش است. بعد از یک روز که ادامه داشت تست کرونا داد و تست‌اش منفی شد با این حال باز هم دکتر رفتیم و دکتر دارو داد و درمان و قرنطینه را آغاز کردیم، دیدم حالش خوب نمی‌شود شنبه رفتیم و سی‌تی‌اسکن گرفتیم و گفتند ۱۰ درصد ریه درگیر شده است و مجدداً دارو برایش تجویز شد و باز هم درمان و قرنطینه خانگی را ادامه دادیم اما بدن‌درد و رخوت و بی‌حالی همچنان ادامه داشت تا اینکه دوشنبه حالش بدتر شد و مدام بالا می‌آورد عصر دوشنبه او را به بیمارستان آوردیم و پس از سی‌تی‌اسکن دوم مشخص شد درگیری ریه به ۷۰ درصد رسیده است، یعنی طی دو روز، درگیری ریه این همه پیشرفت کرده بود، سپس به دلیل کناره‌شان روشن است که عدد اکسیژن خون و ضریب قلب را نشان می‌دهد. اکسیژن که به زیر ۹۰ می‌رسد ترس عجبی بیماران را فرا می‌گیرد

از واکسن، بی‌اعتمادی و ترس از عوارض واکسن‌های کرونا، تأثیرگذاری کم واکسن‌ها در برابر ویروس کرونا و تبلیغات اشتباه مبنی بر ابتلا مجازی است. همچنین عمده مرگ‌میرمغری در بیک پنجم کرونا و بستری در آی‌سی‌یو هم هنوز واکسن نشده‌اند... بیرون از اورژانس فامیل‌های زن جوان یکی پس از دیگری می‌رسند و گریه و زاری می‌کنند و فریاد می‌زنند، زن جوان مانند دیوانه‌ها مدام به این سمت و آن سمت می‌رود و فقط گریه می‌کند، و مدام زیر لب می‌گوید یا امام حسین امشب شب عاشورا است اگر جوابم را ندهی دیگر صدا می‌کنم و قطرات اشک از چشمانش جاری می‌شود، همراهیان هم یکی پس از دیگری گریه می‌کنند و ذکر می‌گویند و دعا می‌کنند، هرکسی پیشنهادی می‌دهد: یکی می‌گوید می‌خواهید او را به یزد ببریم، دیگری می‌گوید با فلان دکتر آشنا حرف زدم و گفته است اگر فلان دارو بهش تزریق شود بهتر بیمارستان نیاورده بودیم و در خانه درمان را انجام می‌دادیم... پزشک اورژانس دوان دوان بیرون می‌آید و به همسر بیمار می‌گوید هیچ راهی نداری باید بیایی امضا کنی تا فلان دارو را بهش تزریق کنیم... زن که فقط گریه می‌کند می‌گوید شما می‌گویند این دارو مثل چاقوی دولبه است ۵۰ درصد ممکن است رویش تأثیر بگذارد و ۵۰ درصد ممکن است عوارضش باعث از کار افتادن سایر اندام‌ها شود... پزشک می‌گوید وقتی الان درگیری ریه ۹۰ درصد است و اکسیژن خونش روی ۸۱ است راه دیگری سراغ داری؟ زن دو دستش را روی سرش می‌گذارد و می‌گوید خدایا خودت کمک کن، انگار پاهایش رفق ندارد و به زور وارد اورژانس می‌شود و زیر پرده تزریق داروی «اکنتر» را امضا و انگشت می‌زند و بیرون کنار فامیل‌هایش

می‌آید و با گریه می‌گوید خودم با دست خردم حکم مرگ شوهرم را امضا کردم و اطرافیان او را دلداری می‌دهند و می‌گویند اینقدر گریه نکن خوب می‌شود... همه نگاه‌ها به اورژانس است اما به جرم‌میرمغری از اقوام بقیه جرات ندارند حتی تا در اورژانس بروند، برادر بیمار می‌گوید: نزدیک نشوید ممکن است شماها نیز بیمار شوید و دیگر توان این همه مصیبت را نداریم... ساعت از ۸ شب گذشته است و صدای نوحه و مداحی مسجد کنار بیمارستان تمام فضا را پر کرده است، همراهی‌ها با صدای نوحه بیشتر گریه می‌کنند و از خدا طلب کمک می‌کنند... زن جوان بیرون می‌آید و می‌گوید پرستار گفته اگر این دوساعتی که دارو دارد تزریق می‌شود عوارض نشان نهد یعنی مشکلی پیش نمی‌آید و تا الان یکساعتش گذشته است... زن همراه نوحه‌خوانی‌ها بلند بلند گریه و دعا و التماس می‌کند، هرچه می‌خواهد او را به یزد ببریم، دیگری می‌گوید با فلان دکتر آشنا حرف زدم و گفته است اگر فلان دارو بهش تزریق شود بهتر بیمارستان نیاورده بودیم و در خانه درمان را انجام می‌دادیم... پزشک اورژانس دوان دوان بیرون می‌آید و به همسر بیمار می‌گوید هیچ راهی نداری باید بیایی امضا کنی تا فلان دارو را بهش تزریق کنیم... زن که فقط گریه می‌کند می‌گوید شما می‌گویند این دارو مثل چاقوی دولبه است ۵۰ درصد ممکن است رویش تأثیر بگذارد و ۵۰ درصد ممکن است عوارضش باعث از کار افتادن سایر اندام‌ها شود... پزشک می‌گوید وقتی الان درگیری ریه ۹۰ درصد است و اکسیژن خونش روی ۸۱ است راه دیگری سراغ داری؟ زن دو دستش را روی سرش می‌گذارد و می‌گوید خدایا خودت کمک کن، انگار پاهایش رفق ندارد و به زور وارد اورژانس می‌شود و زیر پرده تزریق داروی «اکنتر» را امضا و انگشت می‌زند و بیرون کنار فامیل‌هایش

سرپرستار بخش اورژانس گفت:
افرادی که در اورژانس بستری می‌شوند همه‌شان حداقل بالای ۳۰ درصد ریه‌شان درگیر شده است و باید تاکید کنیم اکثرشان بالای ۵۰ درصد ریه‌شان درگیر است

روزانه حدود ۳۰۰ سی‌تی‌اسکن انجام می‌دهیم
۵۰ تا کیسول اکسیژن توی اورژانس داریم که روزی سه بار پرمی‌شوند

انوبار ولایت
محبوب‌ترین اتوبار
ممل‌انگانه منزل و میلمان و کلاهی تماری و غیره
درون شهری و تمامی نقاط کشور با کادری مجرب
شانه روزی بدون تعطیلی
سیرجان، شهرک اندیشه، خیابان اندیشه
۰۹۰۰۲۳۵۴۸۸۰ - ۰۹۱۳۲۴۵۲۹۸۳ - ۰۴۴۲۲۳۸۹۱۸ - محمود سلطانی

دعوت به همکاری
به تعدادی جوشکار برای کار در شرکتی واقع در شهرک صنعتی شماره ۱ نیازمندیم.
(با بیمه شرکت و مزایا)
۰۹۱۳۲۴۵۲۹۸۳ - ۰۹۱۳۲۴۵۶۳۵۲

ضایعات و آهن آلات
۰۹۱۳۲۴۵۶۴۰۳
۰۹۱۳۲۴۵۶۶۸۴

ضایعات و آهن دست دوم و غیره
شما را با بهترین قیمت خریداریم
۰۹۱۳۲۷۹۷۲۹۵

خریدار ضایعات آهن و غیره هستیم
۰۹۱۳۲۴۷۶۱۴۴
۰۹۱۳۲۴۷۰۵۲۰

نقاشی ساختمان
۰۹۲۲۳۱۹۴۸۴۶

همه با هم کرونا را شکست می‌دهیم

کلینیک دندانپزشکی مهرگان Mehregan Dental Clinic
مجهز به اتاق استریل مرکزی
استفاده از پک‌های یکبار مصرف برای بیماران به صورت مجزا
مجهز به رادیولوژی دیجیتال دندانپزشکی
کاشت دندان
ایمپلنت
درمان ریشه
لمینیت
عصب کشی
روکش فول سر امیک
زیبایی و سفید کردن دندان با استفاده از لیزر
ترمیم
جرم‌گیری
جراحی
دندانپزشکی کودکان
جراحی دندان عقل

رعایت اصول پیشگیری از انتقال ویروس کرونا مطابق با استانداردهای جهانی

نشانی: سیرجان - خیابان شریعتی - کوچه اعلاء (حاج رشید) کوچه جنب بیزستی تلفن: ۴۲۲۰۳۱۷۱ - ۴۲۲۰۳۱۷۲

mehrgan_dental_clinic